

بررسی تحلیلی فلسفه زیارت در روایات امامیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

زینب نانکلی^۱

چکیده

از جمله معارف اعتقادی ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی، زیارت است که نزد مسلمانان جایگاه بلندی دارد و ترکیبی از دیدار، نیایش و آرامش است. زیارت یعنی حضور زیارت-کننده نزد زیارت‌شونده با میل و رغبت و دارای سه رکن اساسی زائر، مزور و خصیصه‌ی نفسی به‌نام گرایش قلبی است. موضوع این پژوهش بررسی تحلیلی فلسفه زیارت در روایات امامیه است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در ابتدا در مورد معنا و مفهوم حقیقت زیارت بحث کرده و سپس به بیان اهداف و آثار آن بر اساس روایت معصومین پرداخته تا بتوان گامی در جهت شناخت این حقیقت و موهبت الهی برداشت. زیارت، دارای اهداف مهم و قابل توجهی است اما هدف غایی زائر در زیارت خدا و تقرب به ساحت اوست؛ زیارت صحیفه‌ای از معرفت است که در آن انسان به امام‌شناسی، معرفت نفس و معرفت الهی می‌رسد و به سوی تکامل حقیقی و وارستگی حرکت می‌کند. یکی از درس‌های مهمی که از مکتب زیارت آموخته می‌شود ولایت‌پذیری و درس بزرگ دشمن‌شناسی که همان اصل تولی و تبری است.

کلیدواژگان: فلسفه، زیارت امام، روایات امامیه.

^۱ سطح ۳ رشته تخصصی فلسفه حوزه خواهران (تربیت مدرس صدیقه کبری قم).

مقدمه

هدف از آفرینش انسان، سعادت و کمال و قرب الی الله است و از میان ادیان آسمانی که خداوند متعال فرستاده است، اکمل آن‌ها دین اسلام است. مکتب اسلام، مکتبی است همه جانبه و تمامی قوانینی که مربوط به زندگی انسان است، از کوچک و بزرگ را دارد. اسلام به مسئله‌ی زیارت اهمیت فوق‌العاده داده است از این جهت که یکی از راه‌هایی است که می‌تواند انسان را به قرب الهی برساند و هم‌چنین در زیارت بهره‌های دنیوی و اخروی وجود دارد.

زیارت حضور و لقای همراه با علاقه و احترام است و زیارت‌کننده به‌سوی زیارت-شونده حرکت می‌کند تا با حضور در محضر دوست از برکات قدسی او بهره‌گیرد و از انوار معنوی او کسب نور و رحمت کند.

پیامبر و اهل بیت اهتمام زیادی به زیارت داشتند و از این ناحیه مسلمین به زیارت تشویق می‌شدند و این تشویق‌ها و ترغیب‌ها، مسلمین را در طول قرون به برپاداشتن این سنت حسنه موفق نموده، به گونه‌ای که اصحاب و تابعین، علما و صالحین برای احیای این امر نه تنها کوتاهی نکرده، بلکه با تحمل مشقان به فیض زیارت اولیای خدا نائل می‌شدند.

به نظر ما، زیارت باید به‌صورت یک سنت سازنده و برنامه‌ی تربیتی درآید؛ زائر را تصفیه کند و شوق تعالی‌جویی و پاکی‌طلبی و خداخواهی را در دل او افزایش دهد و هدف از زیارت، رسیدن به مقام معرفت حقیقی و شفاعت باشد.

مفهوم‌شناسی

مفهوم فلسفه

- در لغت: در تاج العروس آمده: فلسفه، حکمت است و کلمه‌ی فارسی و آن فِیلسُوف است و گاهی گفته می‌شود: تَفَلَّسَفَ (حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۸۲، ص ۴۲۰).

در مجمع البحرین نیز آمده: بعضی از عارفین گفته‌اند، فلسفه لغتی یونانی است و معنای آن

دوست داشتن حکمت است و فِلسُوف اصلش فیلاسوف یعنی دوست‌دار حکمت؛ فیلا یعنی دوست‌دار و سوف یعنی حکمت (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۱۰۷).

- در اصطلاح: ملاصدرا می‌گوید: فلسفه عبارت است از استکمال نفس به مدد شناخت حقایق موجودات آن‌گونه که هستند، از طریق اقامه‌ی برهان، نه تقلید، به قدر طاقت بشری (شیرازی، الحکمه المتعالیه فی اسفار الاربعه، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴).

مفهوم زیارت

- در لغت: از ریشه‌ی «ز و ر» و در مقایس اللغه آمده: اصل این واژه به معنای میل و عدول از چیزی است؛ دروغ را از آن جهت زور گفته‌اند که مایل و منحرف از راه حق است. احمد بن فارس در ادامه می‌گوید: زائر را از آن جهت زائر می‌گویند که فقط به زیارت تو می‌آید از غیر تو عدول می‌کند و رو بر می‌گرداند (احمد بن فارس، مقایس اللغه، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۳۶). همچنین زیارت لغتاً در تاج العروس، این‌گونه آمده است: زور به معنای سینه است و زائر کسی است که تو را زیارت می‌کند و گفته می‌شود مردی که زیارت کننده است؛ و در حدیث آمده است برای زیارت کننده‌ی تو بر گردن تو حق است و زور در اصل مصدری است که به جای اسم قرار گرفته است، مانند صوم و نوم، به معنی صائم و نائم (حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۴۷۷).

- در اصطلاح: در اصطلاح دینی تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۰۵).

- در اصطلاح عرفی: به دیدار کسی رفتن به جهت تعظیم یا انس گرفتن، حج خانه‌ی خدا را زیارت بیت الله می‌گویند، چنان‌که به کنار قبور معصومین و صالحان به قصد تعظیم و توسل و دعا، رفتن و همچنین به کنار قبر مردگان جهت دعا و استغفار گناهان را زیارت کردن می‌خوانند (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۱۶۰).

البته می‌توان گفت زیارت دو معنای مصطلح دارد:

۱- تشرف به حضور انبیا و اوصیا در زمان حیات آنان و نیز تشرف به حرم مطهر و عرض ادب در کنار قبور منور آن‌ها.

۲- خواندن عبارات خاص که متضمن سلام تحیت و عرض ادب به ساحت قدس آن اولیای الهی است.

این دو معنا دو گونه محقق می‌شوند؛ گاهی با خواندن عبارات خاص در کنار قبور آن عزیزان انجام می‌شود و گاهی از راه دور که مراد ما در این جا اصطلاح اول است (طالقانی، همزه نور، ج ۱، ص ۲۸).

مفهوم امام

- در لغت: در لسان‌العرب این گونه آمده است: امام اطلاق می‌شود بر کسی که رئیس قوم خود می‌باشد؛ پس اگر گفته شود فلانی امام قوم است، معنایش این است که همانا او پیش‌رو و رئیس آن قوم می‌باشد (ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴۰۵ق: ج ۱۴، ص ۲۸۷).

- در اصطلاح: بر وزن کتاب و در اصل مصدر است؛ پس اطلاق شده بر آن‌چه که توجه می‌شود به آن و امام هرچیزی است که اقتدا می‌شود به آن در امور.

نبی امام برای ائمه است و خلیفه، امام مردم است و قرآن، امام مسلمانان است (مصطفی حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۱۳۶).

حقیقت زیارت

زیارت یعنی به قصد دیدار کسی که دوستش داریم و بزرگش می‌دانیم به حضورش شرفیاب شویم.

ما براساس ادله‌ی عقلیه و نقلیه معتقدیم که روح انسان بعد از مفارقت از بدن که مرگ نامیده می‌شود، در عالم برزخ زنده و باقی است.

مخصوصاً ارواح کامله و نفوس مقدسه‌ی انبیا و اولیای خدا: بعد از تجرد نفس و پیوستن به عالم قدس ربوبی نورانشان کامل‌تر و احاطه و اطلاعتشان نسبت به این عالم وسیع‌تر

و تصرفشان در این نشأه و این جهان نافذتر می‌گردد (ضیاء آبادی، شرح جبل متین، ۱۳۸۵: ص ۴۸).

چنان‌که رسول خدا (ص) می‌فرماید: « مَنْ زَارِنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارِنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ »؛ کسی که پس از مرگ و وفات مرا زیارت کند، مانند کسی است که مرا در حال حیات ملاقات کرده و من در هر دو حال شاهد و گواه بر او هستم و شفاعت او در روز قیامت برعهده‌ی من است (قولویه، کامل الزیارات، ۱۴۱۸ق: باب ۲، ص ۴۵).

حال، نکته‌ی شایان توجه این‌که زیارت به معنای حقیقی‌اش این نیست که تنها جسم و بدن زائر به حضور امام و در و دیوار حرمش برسد؛ بلکه معنای حقیقی زیارت پیوند روحی و اتصال قلبی زائر به آستان اقدس ولایت و امامت است که آن ولی خدا را جداً ناظر بر افکار و اعمالش بداند و با گفتن «السلام علیکم» تسلیم امرونی و دستورات آن حجت خدا گردد (ضیاء آبادی، شرح جبل متین، ۱۳۸۵: ص ۴۸).

زیارت بازگشت به حقیقت خویش و به وطن حقیقی است، زیرا زائر قطره‌ای است که از دریای بیکران‌هی وجود اهل بیت: جدا شده و اکنون به دریا باز می‌گردد و به اصل خویش ملحق می‌شود.

به بیان روشن‌تر، زائر به زیارت حقیقت خود می‌رود و خویش‌گمشده‌ی خود را در محضر مزور باز می‌یابد.

زیارت بازگشت به وطن حقیقی و رجعت به جایی است که به آن تعلق داریم. آنان که اهل محبت هستند به خوبی احساس می‌کنند که حرم اهل بیت: بوی وطن می‌دهد و لذا به خوبی درمی‌یابند که روح در حرم، هم‌چون طفلی که به آغوش مادر بازگشته، احساس آرامش می‌کند (طیب، ره‌توشه دیدار، ۱۳۸۷: ص ۵۵).

یکی از شواهد ظاهری بر این امر که حرم اهل بیت رنگ و بویی از وطن حقیقی انسان دارد، این است که از نظر فقهی نیز مسافری که صدها فرسنگ راه طی کرده و به حرم

پیامبر (ص) یا اباعبدالله (ع) وارد شده است، می‌تواند نماز خود را هم چون کسی که در وطن خود می‌باشد، بخواند (طاهری خرم آبادی، توحید و زیارت، ۱۳۹۲: ص ۴۹).

بنابراین زیارت معصومین یعنی تشریف و وصول به لقای معصومین و رسیدن به چنین مقامی چهار شرط دارد:

۱- دل بریدن از همه چیز « فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ »؛ پس کفش خود را از پایت بیفکن.
(طه/۱۲)

۲- روی آوردن به امام معصوم (ع) «إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوى»؛ نو در وادی مقدس طوی هستی (طه/۱۲)

۳- طهارت و پاکیزگی جسم و جان «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ جز پاک شدگان به آن دسترسی ندارند (واقعه/۷۹)

۴- قصد قربت «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ در حالی که فرمان نیافته بودند جز آن که خدا را پرستند و ایمان و عبادت را برای او خالص کنند و حق‌گرا باشند.
(بینه/۵)

ارکان زیارت

زیارت که و تقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، نه پنداری، ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن و پایه‌ی اصیل مرکب است:

- ۱- زائر: شخصی که میل و گرایش به چیزی یا کسی دارد.
- ۲- مزور: شخصی یا چیزی که میل به سوی او است.
- ۳- خصیصه‌ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

بدیهی است هرچه ارکان سه‌گانه‌ی فوق از بنیان و اساس محکم‌تری برخوردار باشد، حقیقت زیارت و آثار آن نیز عینی‌تر و ظاهرتر خواهد بود.

به عبارتی دیگر، اگر زائر از معرفت و ایمان و کمالات وجودی والاتری برخوردار باشد، و هم‌چنین اگر مزور شخصیتی ربّانی و موثر در نظام هستی باشد، یا اگر تصمیم و قصد با کمال معرفت و جدیت و اراده‌ی جزمی همراه باشد، قطعاً جلوه‌ی کامل‌تری از زیارت عرضه می‌شود و حتماً تأثیرات چشم‌گیر و گسترده‌ای خواهد داشت (جوادی، فلسفه زیارت و آیین آن، ۱۳۸۸: ص ۲۱).

مقدمات زیارت

بی‌تردید برای هر کار و شأنی، ادب و آیینی است که با رعایت آن، ارزش کار بیش‌تر و میزان تأثیر و ماندگاری آن افزون‌تر خواهد شد.

آداب منحصر به عبادات واجب نیست، بلکه هریک از اعمال مستحب نیز آدابی دارند که زینت‌بخش آن عمل است.

زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم (ص) و هریک از اهل بیت: گرچه عمل مستحب به‌شمار می‌آید، اما مثل دیگر مستحبات، آدابی دارد که به‌جا آوردن آن، زائر می‌تواند جمال و زیبایی بیش‌تری به عمل خود بخشد و محبت خویش را به مرور کامل‌تر و بهتر ابراز نموده و محبت فرد را افزون‌تر و بیش‌تر به خود جلب کند (باقریان، فرهنگ و آداب زیارت، ۱۳۸۷).

آداب و اسرار زیارت معصومین

این آداب بسیار زیاد است که ما به چند مورد اکتفا می‌کنیم:

۱- خداحافظی کردن و حلالیت طلبیدن قبل از سفر

امام صادق (ع) می‌فرماید: «حَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَحَقُّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ»؛ سزاوار است مسلمانی که قصد مسافرت دارد برادر خویش را آگاه سازد و بر برادران او نیز لازم است هنگام بازگشت به دیدن وی بیایند (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۷۴).

۲- ترک کلمات لغو و بیهوده و دنیایی که در همه‌جا مذموم و سبب قساوت قلب

می‌گردد خصوصاً در اماکن مقدسه.

۳- غسل کردن پیش از زیارت و اگرچند امام را زیارت می‌کند یک غسل برای همه‌ی ائمه‌ی هدی که قصد زیارت آن‌ها را دارد، کافی است.

۴- پوشیدن لباس پاک و نو.

۵- عطر زدن و خود را خوشبو کردن غیر از زیارت کربلا (محمدبن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۲).

۶- توبه نمودن از گناهان و تلاش جهت تحصیل رقت قلب و خضوع و حضور قلب داشتن در همه حالات و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و تدبر در این که امام (ع) ایستادن در محضرش را می‌بیند و کلام او را می‌شنود و جواب سلام را می‌دهد. همچنان که زائر در وقت خواندن اذن دخول به همه‌ی این‌ها شهادت می‌دهد و تدبر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابی‌های حال خود و کوتاهی‌هایی که در حق آن بزرگواران کرده و اوامر بسیاری که از ایشان شنیده و به آن‌ها عمل نکرده است.

به‌راستی اگر زائر در این‌گونه امور بنگرد، قدم‌هایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است (مفاتیح الجنان، آداب زیارت، ص ۳۰۷).

۷- رفتن به نزد ضریح مطهر به نحوی که موجب اذیت و آزار دیگران نشود و توهم آن که دور ایستادن ادب است، وهم است؛ زیرا که تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن وارد شده است (محمدبن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۳). این مسئله‌ای بسیار قابل توجه است؛ چرا که انسان هرچه خود را به امام نزدیک‌تر احساس کند تأثیر معنوی آن در انسان زائر بیش‌تر و توجه و حضورش زیادتر است. البته این علت‌های زیادی دارد و باید توجه داشت که این نزدیکی در صورتی است که موجب مزاحمت دیگران نشود.

۸- وداع با صاحب آن مرقد شریف هنگام رفتن از آن شهر و قصد بازگشت به آن زیارت هنگام وداع (محدثی، زیارت، ۱۳۷۱).

اهمیت و ضرورت زیارت

گرچه هیچ شأن و حقیقتی به عظمت توحید نیست و طبعاً هیچ انسانی هم به ارزش موحد نیست؛ و اگرچه رسالت و امامت دو جلوه‌ی الهی و ربانی است که ظهور قدرت الهی در هدایت‌گری، ولایت و سرپرستی است و این دو حقیقت نیز به نوبه‌ی خود معادل ندارد، لیکن آنچه راه وصول به جلوه‌ها و مظاهر الهی و در پرتو آن قرب به حق را تأمین و تضمین می‌کند، تنها ارتباط و اتصال به رسول خدا (ص) و عترت ایشان است و بدون این طریق راهی نیست و هیچ کمال انسانی و الهی جز از این راه حاصل نمی‌شود.

«فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»؛ پس از حق چیزی جز گمراهی نیست (یونس/۳۲)

زیارت تفسیر این ارتباط و تبیین و تحقق آن اتصال است و به همان میزانی که ایجاد آن اتصال و تحکیم آن رابطه در هندسه‌ی معرفتی اسلام ضروری و مهم است؛ زیرا زیارت هم چون تنها طریق عملی و راه تحقق آن رابطه است، ضروری و مهم خواهد بود (جوادی، فلسفه زیارت و آداب آن، ۱۳۸۸: صص ۴۳-۴۴).

اهمیت و ضرورت زیارت به حدی است که در روایات از آن به عنوان عهد الهی و فریضه‌ای ضروری نام برده شده است.

چنان که امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمُنُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ برای هر یک از ائمه (ع) عهدی بر عهده‌ی موالیان و شیعیانش وجود دارد و برای اتمام وفا به آن عهد باید قبور آنان را زیارت کنند. بی‌تردید کسانی که با میل و رغبت به زیارت امامان خود می‌روند و به آورده‌های آنان ایمان داشته و تصدیق می‌کنند، از شفاعت و همراهی آنان در قیامت بهره می‌برند (بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۵۷۷).

بنابراین از موارد بارز و مصادیق ظاهر تحقق عهد الهی و ارتباط و اتصال به چشمه‌ی ولایت همانا زیارت و جهت وجودی خود را به اهل بیت میل و گرایش دادن است. بدیهی است که زیارت به‌عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت ضروری است.

اهمیت و ضرورت زیارت امام حسین (ع)

هر چند پیشوایان مذهبی ما و عترت طاهره‌ی رسول خدا هر یک به نوعی شهید شده‌اند و تاریخ تشیع از آغاز با خط خونین شهادت رقم خورد، اما کیفیت به شهادت رساندن حسین بن علی (ع) آن قدر فجیع و ظالمانه است که در دفتر شهادت اسلام، عنوانی برجسته و ممتاز یافت (رکنی یزدی، شوق دیدار، بی تا: ص ۱۴۸).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزِرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنَ حُقُوقِ اللَّهِ وَ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ ع فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ اگر یکی از شما تمام عمرش را حج بگذارد، اما حسین بن علی را زیارت نکند، حقی از حقوق خدا و رسولش را ترک کرده است، زیرا حق حسین فریضه‌ای است از خدا که بر هر مسلمانی واجب است (قولویه، کامل الزیارات، ۱۴۱۸ق: ص ۱۲۲، حدیث ۴). این حدیث به صراحت می‌رساند که زیارت امام حقی است بر پیروانش که خداوند ادایش را لازم گردانده، و به‌خصوص نسبت به زیارت سید الشهداء (ع) تأکید بیش‌تری دارد. در حدیث دیگری امام صادق (ع) فرمودند: «وَمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛ کسی که با شناخت و معرفت، امام حسین را زیارت کند، خدا ثواب هزار حج برای او مقرر می‌فرماید و گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۹۱: ج ۱۴، ص ۴۴۵).

اهمیت و ضرورت زیارت امام رضا

شیخ صدوق از عبدالعظیم حسنی روایت نموده که گفت: به امام جواد عرض کردم متحیرم میان زیارت قبر سید الشهداء و پدر بزرگوار شما در طوس؟

فرمودند: در مکان خود صبر کن و به منزل خود وارد شد و بیرون آمد در حالی که اشک‌های آن بزرگوار بر دو طرف صورت نازنیشان جاری بود، فرمودند: زوآر قبر سیدالشهدا (ع) بسیار است و زوآر قبر پدرم در طوس کم است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۵۹).

توضیح آن‌که: در زمان قدیم، خصوصاً زمان ائمه زائرین قبر امام رضا (ع) بسیار کم بودند و از بعضی قضایا استفاده می‌شود که گاهی آن حضرت فقط یک زائر داشتند، علاوه بر آن‌که در آن زمان زیارت قبر امام رضا (ع) فقط مخصوص شیعیانی بود که تمام ائمه را قبول داشتند و دوازده امامی بودند اما امام حسین (ع) را تمام گروه‌های شیعه زیارت می‌نمودند.

لذا ائمه تاکید و ترغیب بسیار می‌نمودند بر زیارت امام رضا (ع) که مخصوص شیعیان دوازده امامی است (حسینی غیائی، مصباح الزائرین، ۱۳۷۷: ص ۲).

بنابراین می‌توان گفت زیارت حضرت رضا (ع) افضل و برتر از زیارت سیدالشهدا (ع) است، از این جهت که کسی که امام رضا (ع) را زیارت می‌کند شیعه‌ی دوازده امام است در حالی که امام حسین (ع) را تمام فرقه‌ها زیارت می‌کنند؛ از این باب زیارت امام رضا (ع) همیت بیش‌تری دارد.

اهداف زیارت معصومین

تقرب و نزدیکی به خدا

والا تریین هدف خلقت، الهی شدن انسان و قرب به خداوند است.

«زیارت» چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است، زمینه‌ی کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی، و در نتیجه تقرب به خداوند می‌گردد.

وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می‌گیرد و به آن مدل و الگو توجه می‌کند، انگیزه کمال‌یابی، او را به قرب معنوی به خداوند می‌کشد و زیارت، مایه‌ی تقرب می‌گردد.

تقرب به اولیای خدا، راهی است برای تقرب به خداوند چرا که اینان، وسیله و صراط و راهنما و مشعل هدایت هستند، باید تقرب جست تا به کمال رسید (محدثی، زیارت، ۱۳۷۱: صص ۱۴۶-۱۴۷).

به همین جهت تعبیر «اتقرب» در زیارت‌نامه‌ها زیاد است و دیدار مرقد ولی خدا، سبب نزدیک شدن به خدا به حساب آمده است.

از موارد فراوان به چند نمونه اشاره می‌شود: در زیارت امام علی (ع) می‌گوییم: «اللهم عبدك و زائرک متقرب الیک بزیارة قبر أخی رسولک» (بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۵۸۸).

و در زیارت موسی بن جعفر (ع) می‌خوانیم: «متقرباً بزیارتک إلی الله تعالی» (مفاتیح الجنان، زیارت موسی بن جعفر (ع))

و یا در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «اتقرب الی الله بموالاتکم»

زیارت، پیوند محکم و رابطه‌ی عمیق با اولیاء و انبیاء و در نهایت حضرت حق جلّ و علاست.

زیارت پیامبر (ص) و اهل بیت او می‌تواند از نمونه‌های عالی زیارت باشد که همه‌ی فرق اسلامی با ادب و احترام و معرفت به زیارت این انسان‌های برگزیده و ممتاز می‌شتابند، و با سلام و صلوات به ساحت مقدسشان در کنار تربت پاکشان طلب رحمت و مغفرت از حضرت حق می‌نمایند و با اقرار به وحدانیت حضرت احدیت و نبوت حضرت ختمی مرتبت و اقرار به پاکی و مقام والای اوصیایش به وصایت و امامت و خلافت آن‌ها شهادت می‌دهند و بدین سان زیارت، ارتباط با خدا و پیامبر و اهل بیتش و اولیا‌زا زیادتر می‌کند (رفیعی پور، هدف از زیارت، ۱۳۸۴).

هم‌چنین ابوالسعید ابوالخیر، از بوعلی سینا، درباره‌ی تشرّف به زیارت پرسشی می‌کند.

ایشان در پاسخ می‌گویند: «در این هنگام اذهان صفای زیادتیری پیدا کرده، خاطره‌ها با تمرکز بیش‌تری جلوه نموده و باعث نزدیکی به خداوند می‌گردد» (محدثی، زیارت، ۱۳۷۱: ص ۱۴۸).

امام‌شناسی در زیارت

یکی دیگر از اهداف بنیانی که در نظام اعتقادی نیز نقش موثری دارد و از مهم‌ترین و در عین حال ضروری‌ترین آن‌ها است، امام‌شناسی است.

یکی از سفارش‌های مهم در آداب زیارت، شناخت حق و مقام زیارت‌شونده است (عارفأ بحقه) یعنی، بدانند که اطاعت از امام واجب و پیروی از راه و روش او دستور دینی است و به یقین یکی از موثرترین و مهم‌ترین راه‌های شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری با معصومین: زیارت و حضور در حرم ایشان است.

شک نیست که بدون وجود امام و بدون ارتباط با او، همه فعالیت‌ها و حرکت‌ها در تباهی است و اولین اثر نسناختن حجت الهی و فقدان ارتباط با ایشان، سلب حقیقت هدایت و سقوط در وادی ضلالت و گمراهی است (کارگر، راز زیارت، بی تا: ص ۳۵).

از این رو در دعای معروف دوران غیبت آمده است: «اللهم عرفنی حجتک فإنک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»؛ بارالها حجت خود را به من معرفی کن؛ زیرا بدون شناخت حجت تو، از دین و مکتب گمراه می‌شوم (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۱۴۷).

از سوی دیگر انسان بی‌معرفت و ناآشنا به مقام امامت و شخص امام، مرگ و حیات او جاهلانه و در تیرگی است: «مَنْ ماتَ وَلَمْ یُعْرِفْ اِمَامَ زَمانه ماتَ مِیتَه الجاهلیه» (همان، ج ۸، ص ۳۶۸).

بنابراین بعد از توحید و رسالت، اولین حقیقتی که انسان در حیات انسانی خود به آن نیاز دارد، امامت و امام‌شناسی است.

زیارت با معرفت

بینش اولیه‌ی هر شخصی نسبت به هر چیزی در برخورد با آن و استفاده‌ی از آن بسیار موثر و نقش کلیدی دارد، لذا اقرار و اعتراف به مقام ظاهری و معنوی ایشان در کیفیت زیارت ایشان بسیار دخالت دارد.

اولین درجه معرفت، اعتراف قلبی به امامت ایشان و واجب‌الاطاعه بودن آنان از جانب خداوند متعال است و هر اندازه که اعتراف و شناخت مقامات معنوی ایشان بیش تر و گسترده‌تر باشد، استفاده روحی عمیق تر خواهد بود.

مرحوم بهاری می‌فرماید: زایر باید بدانند نفوس مقدسه‌ی طیبه طاهره چون از ابدان جسمانیه مفارقت نمود و متصل به عالم قدس و مجردات گردید، غلبه و احاطه ایشان به این عالم اقوی گردد و تصرفشان در این نشأت بیش از سابق می‌شود و اطاعتشان به زایرین اتم و اکمل گردد (تحریری، جلوه‌های لاهوتی، ۱۴۰۰: ص ۳۲).

بنابراین معرفت مزور و آگاهی تزمنت او مورد سفارش و تاکید بسیاری از روایات است، از امام کاظم (ع) رسیده: «فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِمًا عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَشْهَدَاءِ الْبَدْرِ»؛ هر کس امام رضا را زیارت کند درحالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی، از منزلت شهدای بدر برخوردار است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ص ۴۱).

اما این که عارفاً بحقه و معرفت نسبت به امام چیست و چگونه است؟

امام جواد (ع) معرفت نسبت به امام را این گونه معرفی می‌کند: «عَارِفًا بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةٌ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ»؛ بدانند که او حجت خدا بر روی زمین است و بهترین طریق شناخت و ارتباط با حضرت حق است (همان، ص ۳۷).

بنابراین آگاهی و شناخت نسبت به امام، عصمت امام، سیره‌ی گفتاری و رفتاری امام یکی از اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین مسائل اعتقادی است؛ به گونه‌ای که هر انسانی در قبال آن، مسئولیت دارد تا در حد امکان خود را از آن بهره‌مند سازد.

بدون شک زیاراتی که با معرفت و شناخت صورت می‌پذیرد، ماندگارتر و موثرتر خواهد بود.

حل مشکلات و رفع نیازها

یکی از اهداف عمده‌ی و عمومی زیارت، که خاستگاه اعتقادی و دینی مطمئن و یقینی دارد، حل مشکلات در پناه بردن به ائمه: و قبور ایشان است.

بسیاری از حاجت‌ها، درخواست‌ها، اظهار نیازها، سوال و استعانت‌ها در حرم معصومین به اذن و قدرت الهی پاسخ داده می‌شود و بیش‌تر گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها، مشکلات و سختی‌ها به دست کریمانه‌ی آن‌ها حل می‌گردد.

امام صادق (ع) فرموده است: «إِنَّ إِلِيَّ جَانِبِكُمْ لَقَبْرًا مَا آتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتُهُ وَ قَضَى حَاجَتَهُ»؛ نزدیک شما قبری است که هیچ اندوهگین به سوی آن نرفته است، مگر این‌که خداوند سختی و مشکل او را برطرف و حاجتش را برآورده می‌کند (همان، ج ۹۸، ص ۴۵).

هم‌چنین در حدیث دیگری امام صادق (ع) فرموده است: «إِنَّ إِلِيَّ جَانِبَهَا قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيُصَلِّي عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُورًا بِقَضَائِ حَاجَتِهِ»؛ نزدیک کوفه قبری است که هر غم‌دیده‌ای آن‌جا رود و در کنار آن چهار رکعت نماز گذارد خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان برگرداند (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۸۳: ص ۲۴۸).

تجدید عهد ازلی و میثاق ولایت

زیارت اهل بیت، تجدید عهد محبت و ارادت با محبوب است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ»؛ برای هر یک از امامان بر گردن دوستان و شیعیانشان پیمانی است و از جمله‌ی آن‌چه شرط و وفای کامل به آن عهد و به نیکویی ادا کردن آن می‌باشد، زیارت قبور ایشان است (بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۵۷۷).

بنابراین بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت‌های ایمانی و عهود الهی و نیز التزام فکری و روحی و التزام عملی آن‌ها عامل موثر زیارت است، همین موثقی و پیمان- هاست که گره‌ی وجودی و پیوند حقیقی بین انسان و حقایق الهی توحید، نبوت و امامت و... ایجاد می‌کند و انسان در پناه این میثاق‌ها از لغزش‌ها مصون و از خطرات در امان است (جوادی، فلسفه زیارت و آیین آن، ۱۳۸۸: ص ۱۰۶).

لذا یکی از فرازهای بارز و صریح در زیارات و متون زیارت‌نامه‌ها تصریح به این امر است، چنان‌که در زیارت نیمه شعبان آمده است: «أَشْهَدُ أَنْكُمْ حُجَّةُ اللَّهِ ثُمَّ قُلْ أَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَعَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ أَجَدُّدَ الْمِيثَاقِ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ»؛ شهادت می‌دهم که محققا شما حجت‌ها و برهان باهر الهی هستید؛ ای مولای من! شهادت بده که من آدمم تا میثاقی را با شما دارم تجدید کنم (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۱۱۵).

زیارت و تولی و تبری

درباره‌ی اهمیت دوستی‌ها و تاثیر آن در زندگی انسان و جامعه کم و بیش سخن گفته‌اند؛ اسلام نیز این مسئله را با دقت خاصی دنبال می‌کند. اما اسلام به ما معیار می‌دهد و به ما می‌آموزد که دوستی‌مان برای خدا و دشمنی‌مان نیز برای خدا باشد.

به‌هرصورت زیارت نقشی بسیار عظیم در زندگی اجتماعی انسان و موضع‌گیری‌های او دارد. انسان در جامعه نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد یا باید جناح حق را انتخاب کند و یا باطل را، بی‌طرفی و بی‌تفاوتی همیشه به نفع باطل است و بر ضرر حق.

زائر با زیارت، جبهه‌ی خود مشخص می‌کند و جبهه‌ی حق را انتخاب کرده و با آن‌ها رابطه و ولایت دارد؛ آن‌ها را به ولایت و دوستی و رهبری می‌گیرد و با دشمنان آن‌ها دشمنی می‌نماید و از آن‌ها برائت و بی‌زاری می‌جوید.

همان‌گونه که در زیارت امیرالمومنین (ع) هنگام وداع می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ لَنَا أَعْدَاءٌ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بَرَاءٌ وَأَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيَاطِينِ وَ عَلَيَّ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»؛ گواهی می‌دهم که آنان با امامان ما جنگیدند، دشمنان ما هستند، ما نیز از

آنان بی‌زاریم، آنان حزب شیطان‌اند و لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر آنان است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۹۷، ص ۲۶۶).

می‌توان گفت تولی و تبری دو بال است که یکی بدون دیگری کارآمد نبوده، زیرا تولی به اهل بیت: بدون برائت جستن و تبری از دشمنان ایشان، ولایت‌پذیری حقیقی نیست، و کاملاً باید از دشمنان اجتناب کرد و جانب دیگر را برگزید.

بنابراین یکی از اهداف مهم زیارت معصومین ترغیب به سیره‌ی عملی و ادامه‌ی راه آن‌هاست و مبارزه با شیوه‌ی دشمنان در کتمان حقایق است.

اهداف زیارت امام حسین (ع)

براساس روایات، این زیارت اهداف و آثار فراوانی دارد، که در این جا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱- دعای پیامبر (ص) و حضرت زهرا (س) و ائمه: به زوار آن حضرت امام صادق (ع) فرمودند: **إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص تَحْضُرُ لِرُؤَارِ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ ع فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ**؛ حضرت فاطمه (س) برای زوار قبر فرزندش حاضر شده و طلب آمرزش گناهانشان را می‌نماید (قولویه، کامل الزیارات، ۱۴۱۸ق: ص ۱۱۶).

رسیدن به بالاترین مقام قرب الهی

امام رضا (ع) می‌فرماید: **«مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع) بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»**؛ کسی که قبر حسین (ع) را در کنار فرات زیارت کند، مثل کسی است که خدا را بالای عرش زیارت کرده است (همان، ص ۱۴۷، روایت دوم).

مرحوم شیخ مفید روایت مذکور را ناظر به پاداش زائر در آخرت دانسته و می‌فرماید: تکریم زائر آن حضرت در قیامت، همانند کسی است که خداوند او را به آسمان برده و به عرش خود که ملائکه حمل می‌کنند، نزدیک می‌کند و ملائکه‌ی خاص خود را به او نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که سبب فزون شدن کرامت او می‌گردد.

در حالی که برخی بزرگان برای این روایت تفسیر دیگری نموده‌اند که ناظر، چهره‌ی حقیقی و ملکوتی زیارت زائر در همین دنیا است.

مضمون کلام این است که عرش عبارت است از تمام مخلوقات و جایگاه معصومین : برتر از سایر مخلوقات است و بر تمام مخلوقات غلبه و استیلا دارد و کسی که معصومین را زیارت کند و ظهور صفت استیلا و احاطه‌ی الهی را در آن ذوات مقدس ببیند، مثل آن است که به زیارت خداوند با وصف استیلا و احاطه‌ی الهی را در آن ذوات مقدس ببیند، مثل این که به زیارت خداوند با وصف استیلا و احاطه بر مخلوقات نائل آمده است؛ به عبارت دیگر چون مقصد خداست و حضرات معصومین رهبر و راهنما به سوی خدا و آیت حق و ظهور اتم و اکمل حضرت حق هستند، زائر با زیارت آن ذات مقدس، در واقع خداوند را می‌بیند و از وصال آن‌ها به وصال حق تعالی، نائل می‌گردد (حسین زاده، بر ساحل زیارت، ۱۳۹۱: ص ۱۹۷).

سبب آموزش گناهان و اجابت دعا

امام رضا (ع) می‌فرمایند: « مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ »؛ کسی که امام حسین (ع) را زیارت کند و به حضرت آگاه باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد (قولویه، کامل الزیارت، ۱۴۱۸ق: ص ۱۴۰، روایت ۱۲).

سبب طولانی شدن عمر و زیاد شدن رزق

«عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدَعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مَرُّ أَصْحَابِكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيداً وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً»؛ حضرت فرمودند: ای عبدالمملک زیارت حسین (ع) را ترک نکن و اصحاب را به آن امر کن، زیرا حق تعالی به واسطه‌ی آن عمر تو را طولانی کرده و روزیت را وسیع می‌نماید و در زندگی سعادت‌مند می‌نماید (همان، ص ۱۵۱، روایت ۵).

بنابراین باید گفت که فضایل و برکات زیارت حضرت غیرقابل شمارش بوده و اگر با آداب و شروط آن انجام شود، کیمیایی است که جان آدمی و زندگی او را متحول می‌سازد.

اهداف زیارت امام رضا (ع)

حرام شدن آتش جهنم بر بدن زائر

پیامبر (ص) فرمودند: «سَتَدْفَنُ بَضْعَةَ مَنِّي بِأَرْضِ خِرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ»؛ بزودی پاره‌ی تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود؛ هیچ مومنی او را زیارت نکند جز آن که خداوند بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش حرام کند (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۵۹).

ضمانت بهشت برای زائر

امام جواد (ع): «ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُّوسَ عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ هر که مزار پدرم را در طوس با شناخت حق و مقامش زیارت کند، بهشت را بر خداوند برایش ضمانت می‌کنم (بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۳۴۹).

بخشش گناهان و حساب‌رسی آسان

امام جواد (ع): «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عِ بَطُّوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ حِسَابِ الْعِبَادِ»؛ هر که مزار پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته‌ی او را از اول تا آخرش بیامرزد و وقتی قیامت برپا شود، برای او منبری در کنار پیامبر (ص) گذارده می‌شود تا خداوند از حساب بندگان فارغ شود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۲، ص ۳۴).

با بررسی روایاتی که به‌طور خاص در باب فضیلت زیارت امام رضا (ع) وارد شده‌اند در می‌یابیم که برکات فراوانی در زیارت امام رضا (ع) عابد زائر می‌شود که زائر با توجه به ظرفیت وجودی‌اش یعنی معرفت و شناخت خود از امام از آن برکات بهره‌مند می‌شود؛ اما یکی از روایاتی که در باب زیارت امام رضا (ع) مشهور است، می‌توان تمام هدف و برکت زیارت امام رضا (ع) را در همان حدیث بیان کرد.

همان حدیثی که امام رضا (ع) در آن می‌فرمایند: هر کس برای یک‌بار زیارت کند من در سه‌جا او را زیارت خواهم کرد و دست او را می‌گیرم و از هراس‌ها در مواقف مختلف قیامت رهایی می‌بخشم.

بنابراین زیارت امام رضا (ع) علاوه بر آثار و برکات دنیوی که برای زائر دارد، در سخت‌ترین شرایط قیامت نیز این زیارت برای زائر دارای آثار و برکات است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تحلیلی فلسفه‌ی زیارت معصومین براساس روایات امامیه پرداخته است. زیارت ریشه در متن دین دارد و عقل پشتوانه آن است و یک امر خیالی و موهوم نیست و بهترین وسیله‌ای است که انسان می‌تواند به سوی خداوند تقرب جوید زیارت معصومین است. پیامبر و ائمه الگوهایی تضمین شده‌ی الهی هستند و شناخت معصومین و محبت آنان و قبول حکومت و ولایت آنان به دین و حقیقت دین است. پس برای شناخت حضرات و پرورش محبت آنان به بهترین طرح و برنامه زیارت می‌تواند باشد؛ این است که در اسلام ناب محمدی زیارت معصومین شدیداً توصیه شده است.

عمده‌ترین خصیصه در زیارت، عرفان و معرفت مزور است و مراتب و درجات ثواب هم بر درجات معرفت مترتب می‌شود. اگر انسان بر مبنای شناخت قرآنی و روایات که از رسول و عترت طاهرش رسید، اعتقادات خود را اصلاح کند هرگز دچار وسوسه‌های شیطانی و تخیل‌وهابی نمی‌شود تا زیارت و مراجعه پس از مرگ را باطل و زمینه شرک تلقی کرده و با این توهم فیض عظیم الهی و آثار فوق‌العاده زیارت را از دست بدهد؛ چرا که هیچ‌یک از اعتقادات آنان با موازین عقلی و نقلی مطابقت ندارد.

بنابراین اصل اتصال و ارتباط با اهل بیت چه در حال حیات و چه ممات ضرورتی انسانی و الهی است و بدون آن انسان بی‌معنا و بی‌هویت بوده و هیچ‌گونه کمالی بر او مترتب نیست. بنابراین زیارت با شرایط و آداب خاص بهترین، سودمندترین و در عین حال شاداب‌ترین راه ارتباط است و حس حضور در محضر امام را در انسان ایجاد می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، «لسان العرب»، بی‌جا، ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۲. احمد بن فارس بی زکریا، «معجم مقاییس اللغة»، بی‌جا، الاعلام الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۳. بابویه، محمد بن علی، «من لایحضره الفقیه»، ج ۲، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۲.
۴. باقریان، سیدرضا، «فرهنگ و آداب زیارت»، دفتر عقل، قم، ۱۳۸۷.
۵. تحریری، محمد باقر، «جلوه‌های لاهوتی»، بوستان کتاب، ۱۴۰۰.
۶. جوادی، مرتضی، «فلسفه‌ی زیارت و آداب آن»، ج ۵، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
۷. حر عاملی، محمد، «وسائل الشیعه»، دارالاحیاء التراث، بیروت، ۱۳۹۱.
۸. حسین زاده، علی، «بر ساحل زیارت»، آیین دانش، قم، ۱۳۹۱.
۹. حسینی دشتی، سید مصطفی، «معارف و معاریف»، ج ۳، موسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۷۹.
۱۰. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، «تاج العروس فی جواهر القاموس»، ج ۸۵، کویت، حکومت.
۱۱. حسینی غیاثی، محمدرضا، «مصباح الزائرین»، دارالکتب، قم، ۱۳۷۷.
۱۲. رفیعی پور، سید هادی، «هدف از زیارت»، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، ۱۳۸۴.
۱۳. رکنی یزدی، محمدمهدی، «شوق دیدار»، اداره امور فرهنگی آستان قدس، مشهد، بی‌تا.
۱۴. شیرازی، محمد، «الحکمة المتعالیه فی اسفار الاربعه»، ج ۱، دارالمعارف، تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. صدوق، محمد، «عیون اخبار رضا»، بی‌نا، الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.

۱۶. ضیاء آبادی، محمد، «شرح زیارت جامعه کبیره»، چ ۱، بنیاد خیریه الزهراء، ۱۳۸۵.
۱۷. طاهری خرم آبادی، سید حسین، «توحید و زیارت»، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۱۸. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، ج ۵، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۹. طوسی، محمد، «تهذیب الاحکام»، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. طیب، مهدی، «ره توشه‌ی دیدار»، چ ۳، نشریه سفید، تهران، ۱۳۸۷.
۲۱. قولویه، جعفر، «کامل الزیارات»، دارالسورور، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، چ ۶، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۳.
۲۳. کارگر، رحیم، «راز زیارت»، چ ۱، نشر معارف، قم، بی‌تا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۵. محدثی، جواد، «زیارت»، چ ۱، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۶. محمد بن مکی، «الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه»، نشر اسلامی، ۱۴۱۷.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، چ ۴، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.
۲۸. مصطفی حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن»، چ ۱، بی‌نا، تهران، ۱۳۶۸.